

## مشورت در زندگی به سبک نبوی

حجت الاسلام ناصر متقی - استاد سطح دو حوزه علمیه

اشاره

حجت الاسلام ناصر متقی سال 1357 در استان گیلان، شهرستان املش بدنیا آمد. پس از اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه مذاهب اسلامی تهران، تحصیلات حوزوی را از سال 1380 در شهر قم آغاز نمود و دروس خارج فقه و اصول و حکمت و عرفان نظری را، از محضر علماء برجسته قم تلمذ نمود. ایشان هم اکنون در مدرسه علمیه حضرت امام خمینی (ره) تهران مشغول تدریس بوده و همزمان مدیر گروه علمی منطق و فلسفه آن مدرسه علمیه مبارکه نیز می باشند.

به حکم آیه شریفه: « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ » (احزاب 21/); وجود مقدس رسول الله (ص) در تمام ابعاد و شئون زندگی الگوی نیکو میباشند و در نظام هستی در نیکو بودن الگو، هیچ کس بالاتر از آن وجود مقدس (ص) نیست چون آن حضرت اشرف الانبیاء والمرسلین میباشند و حال که آن وجود مبارک در تمام ابعاد زندگی الگوی نیکو میباشند پس زندگی آن وجود نورانی باید سبک و روش خاصی داشته باشد تا امت اسلام بتوانند سیره و سبک زندگی ایشان را یاد بگیرند و به آن تاسی کنند و به کمالات شایسته انسانی نائل گردند. از آنجا که زندگی آن حضرت روشمند است لذا کتابهایی در موضوع سیره نبوی و سنن النبی نوشته شده است تا امت اسلامی به سیره عملی آن حضرت تاسی کنند. یکی از سنتها و سبکهای زندگی آن حضرت مشورت بوده که بیشتر در مواجهه با جامعه و نحوه کشور داری متبلور شده است. به حکم آیه شریفه «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ... 1» (الاعمران 159/ آن وجود مطهر به امر خدای متعال مأمور بودند که با اصحاب خودشان مشورت کنند.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این بخش از آیه شریفه میفرماید: «انما سيق ليكون امضاء لسيرته (ص) فانه كذلك كان يفعل و قد شاورهم في امر القتال قبيل يوم احد و فيه اشعار بانه انما يفعل ما يؤمر و الله سبحانه عن فعله راضٍ. 2» یعنی سیره رسول الله (ص) مشورت با اصحاب خودشان بود و خدای متعال با این آیه شریفه میخواهند بفرمایند که سیره رسولشان که مشورت بود را امضاء میفرمایند و از این کار راضی هستند و مشورت آن حضرت با اصحاب خودشان به امر خدای متعال بوده است.

اهمیت و ضرورت مشورت

چون بنا بر اختصار است لذا در اهمیت و ضرورت مشورت به دو روایت شریفه اکتفاء میگردد وجود مقدس رسول الله (ص) میفرماید: «... و ما يستغنى رجل عن مشوره... 3». در این روایت شریفه چون نکره در سیاق نفی آمده است، افاده عموم میکند؛ یعنی هیچ کس بی نیاز از مشورت نیست. از اینرو بر ضرورت مشورت تأکید میکنند. و نیز آن حضرت (ص) میفرماید: «... و لا مظاهره احسن من المشاورة 4». توضیح: روایت شریفه بالای نفی جنس تأکید دارد که هیچ پشتوانه و هیچ پشتیبانی بهتر از مشاوره و مشورت نیست و از بین پشتیبانها و پشتوانهها، بهترین پشتیبان و پشتوانه را مشورت معرفی میفرماید.

فوائد مشورت

به ذکر سه فائده مهم مشورت از لسان مبارک نبی مکرم اسلام (ص) بسنده میشود:

1. هدایت یافتن به رشد و صواب وجود مکرم رسول الله (ص) میفرماید: «ما من رجل يشاور احدا الا هدى الى الرشده 5»؛ هیچ کسی نیست که با شخصی مشورت کند مگر اینکه به رشد هدایت شود.

2. دفع کننده پشیمانی

همچنین آن حضرت (ص) میفرماید: «المشاورة حصن من الندامة 6» مشورت حصار ندامت (و پشیمانی) است.

3. ایمنی بخش از ملامت دیگران

آن حضرت (ص) میفرماید: «المشاورة ... وأمن من الملامه 7»

توضیح: کسی که مشورت میکند از دو حال خارج نیست: یا رأی و نظری که از مشورت استخراج میگردد درست و صواب است یا نادرست و ناصواب، در صورت اول که هیچ پشیمانی و ملامتی نیست چون به صلاح و مصلحت رسیده است و در صورت دوم نیز پشیمان نیست و کسی او را ملامت نمیکند زیرا او به وظیفه خودش عمل کرده است و از عقل جمعی استفاده نموده و کوتاهی نکرده است.

رسول الله (ص) در چه اموری مشورت میکردند؟

مرحوم ملامحسن فیض کاشانی (ره) ضابطه مهمی در این زمینه ارائه میفرماید که عبارت است: «و شاورهم في الامر في امر الحرب و

غیره مما یصح ان یشاور فیہ استظهاراً برأیهم و تطیباً لنفوسهم و تمهیداً لسنه المشاوره للأمه 8» .  
توضیح: مشورت آن حضرت (ص) با اصحاب در امر جنگ و غیر جنگ از اموری که مشورت در آن صحیح است چند وجه دارد:  
1- کمک خواستن از رأی اصحاب. البته کمک خواستن از رأی اصحاب بدین معنا نیست که آن حضرت به رأی آنها محتاج باشد که در مطلب هشتم بیان میشود.

2- آرامش بخشیدن به جانها و روان اصحاب و تشویق و ترغیب آنها به تفکر و مشورت و اهتمام داشتن نسبت به امور مسلمین.

3- زمینه ایجاد کردن در امت اسلامی برای سنت مشاوره.

امین الاسلام مرحوم طبرسی از ابی علی الجبائی نقل میفرماید: «ان ذلک فی امور الدنیا و مکائد الحرب و لقاء العدو و فی مثل ذلک یجوز ان یتعین (بآرائهم) 9» .

از کلام ابی علی الجبائی هم محدوده مشورت رسول الله (ص) با اصحاب خودشان آشکار میشود.

«وفی المحاسن باسناده عن معمر بن خلّاد قال: هلک مولی لأبّی الحسن الرضا (ع) یقال له: سعد فقال (ع): أشر علیّ رجل له فضل و أمانه. فقلت: أنا أشیر علیک؟ فقال (ع) شبه المغضب: إن رسول الله (ص) کان یتشیر اصحابه ثم یعزم علی ما (یرید).»

در کتاب (محاسن) از معمر بن خلّاد روایت شده که گفت: غلامی از حضرت رضا (ع) به نام سعد از دنیا رفت. حضرت فرمود: مردی صاحب فضل و امانت را به من نشان ده- تا او را به جای سعد؛ برگزینم- عرضه داشتم من به شما نشان دهم؟ امام (ع) مانند اشخاص غضبناک فرمود: رسول خدا (ص) با اصحاب خود مشورت میکرد سپس آنچه ارادهاش تعلق میگرفت عازم میشد. 10

چون وجود مبارک امام رضا (ع) از سنت و سیره رسول الله (ص) تبعیت میکنند و چون کار خود را به مشورت خواستن پیامبر اکرم (ص) از اصحاب خودشان استشهد میکنند، این خود دلیل است که مشورت در چنین اموری از سنتهای رسول الله (ص) است و محدوده مشورت را مشخص میکند.

با چه کسانی مشورت نکنیم؟

وجود مقدس رسول الله (ص) میفرماید: «علیّ لاتشاورنّ جباناً فإنّه یضیق علیک المخرج و لاتشاورنّ البخیل فإنّه یقصر بک عن غایتک و لاتشاورنّ حریصاً فإنّه یزین لک شرّها و اعلم یا علیّ أنّ الجبن و البخل و الحرص غریزه واحده یجمعها سوء الظنّ 11» .

در این روایت شریفه از مشورت با سه کس منع شده است:

1. ترسو، چون که راه فرار را بر مشورت گیرنده تنگ میکند و میندند؛

2. بخیل، چون او مشورت گیرنده را از رسیدن به غایت و هدف باز میدارد؛

3. حریص، چون او بدی حرص را به مشورت گیرنده زینت داده و آن را خوب جلوه میدهد.

وظیفه مشورت دهنده

روایت نبوی (ص): «المستشار مؤتمن فان شاء اشار و إن شاء سکت فإن أشار فلیشر به ما لو نزل به فعله.»

ترجمه: کسی که با وی مشورت میکنند امانتدار است؛ اگر بخواهد نظر دهد و اگر بخواهد خاموش بماند ولی اگر نظر داد همان را بگوید که اگر خود او بود چنان میکرد. 12

یک شاهد تاریخی از مشورت رسول الله (ص) با اصحاب

مؤلف تاریخ طبری مینویسد: فحدثت عن محمد بن عمر قال: «کان الذی أشار علی رسول الله (ص) بالخذق سلمان و کان اول مشهد شهده سلمان مع رسول الله (ص) و هو یومئذ حرّ وقال: یا رسول الله إنا کنا به فارس اذا حوصرنا خندقنا (علینا). 13»

در جنگ خندق وقتی سپاه اسلام از سوی دشمنان محاصره شده بودند، وجود مقدس رسول الله (ص) با اصحاب خودشان مشورت کردند که ما چکار کنیم؟ و جناب سلمان رضوان الله علیه عرض کردند که ما در کشور خودمان فارس (ایران) وقتی در جنگ محاصره شویم خندق حفر میکنیم و آن حضرت نیز پیشنهاد جناب سلمان را پذیرفتند و دستور دادند که خندق حفر کنند.

از آنچه گفته شد مطالبی آشکار میگردد بعضی از آنها عبارتند:

مطلب اول:

مشورت گرفتن نقص و ننگ و عار نیست بلکه مایه فخر است چون مشورت گیرنده به سنت رسول اکرم (ص) تأسی میکند.

مطلب دوم:

استبداد در رأی و خود رأی بودن از نگاه رسول الله (ص) مردود است چون سنت آن حضرت (ص) بر مشورت بود و خود رأی بودن با مشورت گرفتن منافات دارد.

مطلب سوم:

چون مشورت همان مشارکت در عقول جمعی است لذا مشورت گیرنده از عقل جمعی استفاده میکند و نتیجه آن رشد عقل و نهادینه شدن عقلانیت و خرد جمعی در جامعه انسانی است.

مطلب چهارم:

مشورت سبب میشود که اشتباهات و خطاها یا منتفی گردد و یا لا اقل کم شود.

مطلب پنجم:

مشورت گیرنده پشیمان نميگردد چون مشورت ایمنی بخش است.

مطلب ششم:

مشورت مانع سرزنش دیگران میگردد لذا کسی که بدون مشورت کار میکند مورد سرزنش دیگران قرار میگیرد.

مطلب هفتم:

لازم نیست که مشورت کننده حتماً به رأی مشورت دهندگان عمل کند بلکه مشورت مقدمه برای تصمیم گیری صحیح است اما تصمیم گیرنده خود مشورت گیرنده میباشد.

مطلب هشتم:

درست است که مشورت با اصحاب از سنتهای نیکوی رسول الله (ص) است اما بدین معنی نیست که آن حضرت (ص) محتاج به مشورت با اصحاب بودند بلکه چون به آن حضرت وحی میشد و آن وجود مقدس به اذن الله عالم به علوم گذشته و حال و آینده بودند. لذا به مشورت نیازی نداشتند و یکی از اسرار مشورت آن حضرت (ص) با اصحاب این بود که چون امت آن حضرت به مشورت نیاز دارند لذا ایشان (ص) با مشورت خودشان آن را به عنوان سنت حسنه در جامعه نهادینه کردند تا امت اسلامی اهل مشورت باشند.

مطلب نهم:

مشورت آن حضرت (ص) با اصحاب، محدود به حدود خاص بود. مثلاً در امر جنگ و نحوه دفاع از حکومت اسلامی در مقابل تهاجم دشمنان اسلام با اصحاب مشورت میکردند، اما در امور اخروی با اصحاب مشورت نمیکردند بلکه مشورت آن حضرت (ص) با اصحاب در امور دنیوی بود که اصحاب در آن امور صاحب تجربه و رأی و نظر بودند.

مطلب دهم:

مشورت دهنده باید شروط خاصی داشته باشد. مثلاً ترسو و بخیل و حریص نباشد، لذا با هر کسی نمیشود مشورت کرد.

مطلب یازدهم:

مشورت دهنده امانت دار است و باید در مشورت چیزی را بگوید که اگر خودش به جای مشورت گیرنده بود آن را برای خودش میپسندید و انجام میداد.

مطلب دوازدهم:

چون مشورت دهنده امین است لذا مشورت گیرنده نباید او را متهم کند که او صادقانه و خیر خواهانه به او مشورت نداده است بلکه باید به او حسن ظن داشته باشد مگر اینکه علم پیدا کند که مشورت دهنده در مشورت دادن صادق و ناصح نبوده است.

پی نوشت

1. آل عمران. 159 /

2. طباطبایی، 4/ 59: 1417

3. پاینده، بیتا: ص. 249

4. حرآنی، بیتا: ص. 6

5. طبرسی، 1372: ذیل آیه 39 شوری.

6. پاینده، بیتا: ص. 448

7. همان: ص. 448

8. فیض کاشانی، بیتا: 1/364

9. طبرسی، 1372: ذیل آیه شریفه 159 آل عمران.

10. طباطبایی، 1378: ص. 69

11. شیخ صدوق، بیتا: باب الثالثه، النهی عن مشاوره ثلاثه، ص. 127

12. پاینده، بیتا: ص. 448

13. طبری، 1960 م: 2/418

کتابنامه

\*قرآن کریم.

1. پاینده، ابو القاسم، (بیتا)، نهج الفصاحه، به کوشش علی شیروانی، قم: انتشارات دارالفکر.

2. حرآنی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، (بیتا)، تحف العقول، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.

3. شیخ صدوق، (1416 ق)، الخصال، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.

4. طباطبایی، سید محمد حسین، (1417)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چ. 5، ج. 4.

5. طباطبایی، سید محمد حسین، (1378)، سنن النبی (ص) ترجمه محمد هادی فقهی، تهران: کتابفروشی اسلامی، چ. 7.

6. طبرسی، فضل بن حسن، (1372 ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ. 3.

7. طبری، محمد بن جریر، (1960 م)، تاریخ طبری، تحقیق و تعلیق: عبد الامیر علی مهنا، مصر: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چ. 1.

8. فیض کاشانی، ملامحسن، (بیتا)، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.